

عالمی را زنده کردی، آفرین بر مردنت! با مرگ فجیع فرخنده شهید، چه را از دست دادیم، چه را بدست آوردیم



روز گذشته در منطقه واشنگتن، ایالت ورجینیا از جانب مهاجرین افغان مجلس ختمی به مناسبت قتل فجیع و شهادت سخیفانه دختر مظلوم افغان «فرخنده شهید» از جانب هیئت مدیره «مسجد مبارک مصطفی» برگزار شده بود که با بیانات خردمندانه تعدادی از علمای مذهبی و مدوعین مجلس در مورد چنین یک جریان افس بار و غیر انسانی، غیر اسلامی و غیر افغانی مجلس شکل یک گرد هم آبی ملی را بخود اختیار نمود. درین محفل از نحوه ظلم و بیدادی که بر یک دختر معصوم و مظلوم افغان واقع گردیده بود، با ابراز بیانات و مخالفت جدی دین مقدس اسلام با چنین روش های ضد بشری، مثال هایی از روش پیامبر اسلام و بزرگان دین، ذریعه تعدادی از برادران و خواهران روشنی اندازی صورت گرفت.

خوشبختانه بدون شک قیام مردمی و صدای اعتراضات هزاران هموطن ما در داخل مملکت عزیز و در اقصی نقاط اجتماع مهاجرین افغان، معرف این است که دولت و مردم افغانستان منبعد نباید بر زن و دختر مظلوم افغان خشونت و بیداد روا دارند، اگر این جنبش بیسابقه سبب قانونیت و حمایه از طبقه اناث افغان و حقوق آنان با اجرای «عدالت» و تطبیق قانون و مجازات متخلفین، با برداشتن قدم های ثابتی بگردد، گویا «فرخنده شهید» با خون پاک خویش و قربانی در راه عدالت و انصاف موجبات یک «انقلاب» بی مانند مردمی را در کشورش باعث گردیده است.

در چنین زمینه مهمی «کانون هم آهنگی زنان افغانستان» درخواست نموده است تا روز تعمیم جنایت بر «فرخنده شهید»، یعنی ۱۹ مارچ، مطابق به ۲۸ حوت را منحیث «روز فرخنده همبستگی ملی با زنان افغانستان» بصورت رسمی مسمی گردد، که پیش نهادیست ارزشمند و بجا، تا باشد که با استقبال و بزرگداشت چنین روزی، قدم های محکم، مثبت و مهمی برای ارزیابی تعمیم حقوق زنان افغان و پیشرفت های آنان در امور اجتماعی شان، برداشته شود.

نا گفته نماند که ماجرای شکنجه و قتل «فرخنده شهید» که با تمام درد و افسوسی که از چنین یک عمل دهشت آفرین به اشتراک و سهم گرفتن مستقیم تعداد زیادی از جوانان و حتی اطفال در مراحل

مختلفه این تراژیدی انسانی، بصورت بی سابقه ای هر روز در در جهان منتشر می‌گردد، در عین زمانی که چادر سیاهی از اندوه مظالم بر زن افغان را بر روی عالم پخش نموده است، در نوع خود باعث و بانی «انقلاب» بی سابقه ای گردید که اجتماع افغانی را در سرتاسر دنیا از بنیاد تکان داده و متأثر گردانید. این دختر معصوم و مظلوم ولی قهرمان افغان که با قتل فجیع و خون پاک خویش باعث بیداری و قیام ملیون هاهموطن ما که دیگر تحمل چنین فجایعی را بر زنان کشور نداشته اند گردید، بدون تردید باعث جای پای ماندگاری برای حمایه و وقایه حقوق پامال گشته هم جنسان خویش شده است. در مظاهراتی که در شهر کابل و هر گوشه ای از مملکت و گوشه های زیادی در خارج از وطن صورت می گیرد، در پهلوی زنان و دختران معترض، مردان و جوانان بیشماری این عمل غیر انسانی را در حق خواهر بیدفاع خویش «فرخنده شهید» تقبیح می نمایند و با خواهران عزادار شان، به راه پیمایی ها و محکوم نمودن جنایتکاران و البته درخواست فوری اجرای عدالت در حق جانینان، محرکین و مرتکبین، هم‌نوا و همصدا می‌گردند!

ولی دیده میشود که متأسفانه همانطور که دست های ناپاکی در مسائل اجتماعی و سیاسی سرزمین ما از چند دهه به اینطرف از آستین همسایگان غدار افغانستان عزیز بیرون گشته و باعث تفرقه و تحریف منافع ملی و مردمی ملت افغان می‌گردند، بعد از وقوع این ماتم ملی و سانحه پامال ارزش های اسلامی، انسانی و افغانی باز هم در صدد انحراف ذهنیت عامه و نقض هم بستگی ملی ای بی مانندیکه این حادثه سبب گردیده است، به شکل تجمع گروپ کوچک «روحانیون ناراض؟؟» به مظاهره پرداختند. بلی جای تأثر و تأسف است که باوجود ملیون ها قلبی که درد جنایت بر «فرخنده شهید» را در سراسر جهان لمس می نماید، عده ای معدود جرأت نماید که بازخواست و اعتراضات مردم ما را که از اجتماعات مختلفه غم شریکان و عدالت طلبان به شمول جامعه مدنی، مؤسسات حقوق بشر و حمایه از حقوق زن و امثالهم تشکیل گردیده اند، مورد انتقاد «؟!» قرار دهند و بدین وسیله نقاب از رخ بردارند! در مطبوعات خارج از افغانستان عزیز، شخصی که از گروه و گروپ یکی از چهره های شناسای تاریخ علنی «جنگ های خونین کابل»، گلبدین حکمتیار نمایندگی مینماید بنام «حلیم تنویر» اخیراً در بعضی از سایت های انترنتی قلم بر افراشته و همه تظاهرات، حرکات و عکس العمل های دادخواهانه و معترضانانه را که در قبال شکنجه های غیر بشری و قتل و سوختاندن فجیع و شرم آور «فرخنده شهید» صورت گرفته است، تقبیح نموده است و با دلایل غیر موجه منحیث یک اقلیت ناکام خواسته است از آب گل آلود ماهی بگیرد، در حالیکه سوز و درد این فاجعه سخیف بشری چون سیلی خروشان هر روز در جهان با اعتراضات و مظاهرات برای درخواست و طلب عدالت و انصاف، نمودار می‌گردد. یا الله!

در پهلوی طلب داد خواهی در مورد جنایتکاران بی مروت و قسی القلبی که در شکنجه و کشتن و سوختاندن «فرخنده شهید مظلوم» شاهکاری از مظالم بی مانند بشری را به نمایش گذاشتند، همانطور که این قلم در فردای روز این جنایت سخیف تحریر نمود، باید عده ای از کرسی نشینان دولت افغانستان را هم که عکس العمل های شان ضد اعلامیه حقوق بشر، کاملاً غیر ملی و منافی اصول قوانین جزاء و متون قانون اساسی مروجه رسمی مملکت بوده است، با استناد بر نشر تبصره های فیس بوک های شان متهم نمود. همچنان فتوی و بیانیه دور از اصول اسلامی و حقوق بشری ملا امام مسجد وزیر اکبر خان یعنی «ایاز نیازی» را که با فتوای خویش، نه تنها عمل سخیف و ظالمانه شکنجه و قتل و حریق نمودن «فرخنده شهید» را تأیید نمود، بلکه اعلام کرد که هر نوع مداخله پلیس و محاکم و قضاء در چنین قضیه المناکی اکیداً جائز نمی باشد، هم بدین وسیله منتشر

نمودم. حال میرویم به سراغ این قانون شکنان متعصبی که دست عمال جنایتکار «داعش» را از پشت بسته اند:

((زلمی زابلی، رئیس کمیسیون شکایات مجلس سنای افغانستان، در صفحه فیسبوکش عکس چهره خونین فرخنده را گذاشته و نوشته است: " این همان چهره وحشتناک کسی است که امروز هموطنان ما او را به سزای اعمالش رساندند و ثابت کردند که افغان‌ها تنها خواهان کشور خود و اسلام هستند. استعمار، ارتداد و جاسوسان را نمی‌توانند تحمل کنند". آقای زابلی این پست را بعداً حذف کرد. سیمین حسن‌زاده، معاون وزارت اطلاعات و فرهنگ افغانستان، در یک پست مرتبط فیسبوکی نوشته است: "هیچ نیرویی در برابر ایمان راسخ مردم مان تاب مقاومت ندارد. با جان و دل از باورهای دینی‌مان پاسداری خواهیم نمود." او سپس از آیه ای از قرآن را نوشته که می‌گوید ما «خدا» خود قرآن را نازل کردیم و از آن حفاظت می‌کنیم. تلاش بی‌بی‌سی برای گفتگو با خانم حسن‌زاده به نتیجه نرسید.

حشمت استانکزی، که در روزهای گذشته به عنوان سخنگوی پلیس کابل با رسانه‌ها صحبت می‌کرد در مورد کشتن و سوزاندن «فرخنده» در فیسبوکش نوشت: "این هم «فرخنده» فکر کرده بود مانند چند تن مرتد دیگر با این نوع عمل و توهین، تابعیت آمریکا و اروپا را به دست می‌آورد اما قبل از رسیدن به هدف، جان خود را از دست داد. به دوستدارانش تسلیت می‌گویم." ((

حال همه این اشخاص متذکره بالا یک ادعا دارند که از قضاوت هر انسان با منطق بدور بوده و به زعم آنها برای فریب دادن خلق الله البته که خیلی مناسب می‌باشد. اینها می‌گویند که موضوع برای شان «غلط» توجیه شده است و ندانسته اند که «فرخنده» بیگناه؟! « بوده است. یا الله! درین شکی نیست که با هر سوء تفاهمی که این انسانیت، اسلامیت و افغانیت فریبان مواجه گردیده باشند نمیتوانند از این حقیقت انکار نمایند که اقلأ شنیده اند که در جوار «مسجد شاه دوشمشیره» زنی اوراق قرآن مجید را سوختانده است. حال اگر آنچه را در بالا ازین اشخاص مطالعه نمودیم، مگر مجاز بوده که چنین احساسات و عقاید ضد اخلاقی و غیر معقولی را با شنیدن این خبر انتشار دهند؟ نخیر، آیا حریق نمودن اوراق کلام خداوند را که از سال‌ها به اینطرف همه روزه در شرق میانه به بهانه های اهل تسنن و اهل تشیع بودن، در وقت ادای نماز در مساجد باکشتار بیگناهان بیخبری که صرف به منظور عبادت خالصانه بدرگاه کردگار تجمع نموده اند، صورت می‌گیرد، این هموطنان بیرحم ما گاهی تقبیح یا شناسایی می‌نمایند؟ مگر آیات ارزشمند قرآنی و اعتقاد بر آنرا که در سینه مخلصین و ارادتمندان آن نقش بسته است با سوختاندن اوراق آن میتواند محو گردد؟ میرویم به صفحه ای از تاریخ کشور در زمینه: یکی از شخصیت های نامدار عصر درخشان امانی مرحوم «محمد ولی خان دروازی» که مقرب و وکیل سلطنه اعلیحضرت غازی بود، بعد از سقوط آندوره البته با دسائس استعمار و نصب «حبیب الله کلکانی»، دزد سر گردنه، معروف به بچه سقاء از جانب عمال هند برتانوی و نه ماه بعد از آن با جلوس محمد نادر شاه به سلطنت افغانستان، در محبس به حفظ قرآن عظیم الشان روی می‌آورد. میدانیم که باوجود قولی که از جانب شاه دال بر نکشتن مرحوم «محمد ولی خان» به وی داده شده بود، در نهایت وی را هم امر به بوسیدن چوبه سرد دار نمود، نامبرده در حالیکه با مرگ چند قدمی فاصله نداشت، چنین پیامی به محمد نادر شاه فرستاد: در حالیکه به امر شما لحظات کمی از حیات من باقیست، ولی من ممنون ایام حبس خویش از جانب شما میباشم، چون در تنهایی محبس من به افتخار «حفظ قرآن مجید» نائل گردیدم و امروز با این گنجینه والای معنوی در سینه، بدون واهمه به استقبال مرگ میروم.» آیا چوبه دار قدرت زدودن آن آیات آسمانی را در سینه «حافظ معتقد» آن، مگر داشته است؟

آیا این مبصرین یاره سرا و زن ستیز که هر کدام به یک تشکیل مهم دولت افغانستان وابسته بوده و دقیقاً با ترحم انسانی و افغانی بیگانه اند، مگر از بم های انتحاری ای که در مساجد و مکاتب اولاد

معارف افغانستان در هر گوشه ای از سرزمین ما منفجر می‌گردد و در پهلوی کشتار و زخمی ساختن شاگردان مظلوم، باعث حریق اوراق با ارزش قرآن شریف هم می‌گردد، عکس العملی نشان داده اند؟ چه وقت و چگونه؟! بسیار واقع شده است که مرتکبین این اعمال فجیع گرفتار گشته اند، آیا این نامبردگان هرگز درخواست اجرای عدالت را در حق آنان نموده اند؟ خیر، حکومت دقیقاً این احساس مرده ها را «باید و حتماً» اولتر از وظیفه سبکدوش نماید، مخصوصاً خانم «سیمین حسن زاده» معین وزارت اطلاعات و کلتور را که زن است و مایه خفت هم جنسان؛ بعد به اتهام تحریف و تحریک افکار غلط و ناروا در اجتماع، به پنجه قانون بسپارد و بازخواست علنی و عدالت در مورد شان اجراء گردد، تا درس عبرتی شود برای بقیه که این گونه با قساوت قلب از راه انسانیت، اسلامیت و افغانیت و متون آشکارای قانون منحرف نگردند!

در پایان، دعا می‌کنیم که این حرکت مترقی برای عدالت و این «انقلاب داد خواهی برای حق زن افغان» ماندگار جامعه ویران افغانی گردیده و صدای در گلو خفته ملیون ها «فرخنده» بیدفاع را در سر تاسر افغانستان عزیز با درخواست قانونیت، عدالت، به حقوق حقه شان وسیله گردد. آمین!